

در این شماره می خوانید:

۳ فرضیه در قرارداد ملی پیشرفت

۹ اکنون فرصت ولایت دین

۱۲ اهمیت و جایگاه تاریخ تفسیر

۱۴ مسائل اساسی ایران در قلمرو پیشرفت

۱۹ پارادایم و فلسفه دین شناخت شهر و سکونت گاهها



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)

سال دهم، شماره ششم

بهمن و اسفند ۱۴۰۱

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

یک بهره بلند در پژوهش های تفسیری مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) این دریافت است که در پارادایم، علم - به معنای عام معرفت - در متن آموزه های قرآنی حاضر است و می تواند خاستگاه نظریه و مدل مفهومی خودویژه ای برای معرفت مزبور باشد. شرط سنجش کامل یک مدل بر اساس شاخص های معین و بایسته، استخراج مبانی، اصول و عناصر کلان حاکم بر آن مدل است. بی شک برای استخراج چنین نکاتی از یک نظریه، باید آن نظریه در حد یک مدل منضبط عرضه شده باشد؛ به این معنا که نظریه در یک پارادایم خاص که از پیش فرض ها، مبانی، منابع، اصول کلان و روش های خاصی پیروی می کند مطرح شده باشد تا بتوان با استخراج امور یادشده، آن ها را به شاخص های ثابت عرضه کرد و بر اساس آن ها به سنجش گرفت. پژوهش های تفسیری مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) نشان می دهد که این الگوی منضبط پارادایمی و نیز شناختی - گرایشی در نظریه پیشنهادی «الگوی معیار رشد عدالت بنیان» جای گیر است؛ در حالی که دقت در نوع نظریه های علم دینی نشان از آن دارد که بسیاری از آن ها، کوشش چندانی برای عرضه سیستماتیک، روشمند و منضبط نظریه خویش نکرده اند و به تعبیری دیگر، دیدگاه خویش را به مثابه مدلی پارادایمیک ترسیم و تبیین ننموده اند. همین امر باعث شده است که موضع آن ها در قبال بنیانی ترین مسائل هر مدل که شرط لازم بودن یک مدل است، شفاف نبوده و به طور دقیق معلوم نباشد که با مدل رقیب خویش، در این مبانی و اصول، روش ها و عناصر کلان چه تمایزها و تشابه هایی دارد و چگونه مدعی برتری است. از این رو، بیشتر نظریه های مطرح در علم دینی در مباحثی چون علوم انسانی اسلامی و فقه سرپرستی و فقه حکومتی مدل نما هستند و شرط لازم عرضه به مثابه یک مدل را ندارند. باری، عرضه نشدن مدل واره و به تعبیر ما پارادایمیک نبودن مدل های مطرح در خصوص علم دینی، عرصه سنجش این دیدگاه ها را با دشواری بسیاری روبه رو ساخته است، که این امر به خودی خود نقص عمده بیشتر این مدل ها به شمار می رود و باید در عرضه مدل تأسیسی مراقب بود تا این نقص در حد امکان برطرف شود. سوره های قرآن کریم امکان ترسیم و تبیین این مدل پارادایمیک را فراهم نموده است. دانش تفسیری در ساخت ترتیبی، عهده دار پردازش این مدل پارادایمیک است.

در این شماره گزارش های چندی پیش روی مخاطب قرار می گیرد:

۱. در گروه پژوهش های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، از جمله گزارش «اهداف تحقیق پارادایم اجتهاد تفسیری» در دستور تأمل آمده است؛
۲. در گروه مطالعات تفسیری در پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص از جمله گزارش «ویژگی های تفسیر هدی» مرور خواهد شد؛
۳. در گروه فقه و اصول در فرآوری ساحت حقوقی و فقهی نظریه پیشنهادی پیشرفت یا فقه نظام پیشرفت گزارش «مبانی پارادایمی نظریه زن» مطرح می شود؛
۴. در گروه مدیریت راهبردی در راستای سامان دهی الگوی عمل توسعه ای آینده نگار راهبردی بر بنیان سامان دانشی سطوح فرآورنده علم گزارش مدرنیته درون زای ایرانی پیشرفت شناخت» ارائه شده است؛
۵. گروه پژوهش هنر در صدد گزارش پژوهش هرمنوتیکی مطالعات دلالی نظریه توسعه است. فصل برجسته ای از این مباحث مطالعات میان رشته ای فلسفه و فقه شهر است. در همین راستا، گزارش «پارادایم و فلسفه دین شناخت شهر و سکونت گاهها» پیش روی می آید.

دبیر علمی

پردازش مبانی نظری و پارادایمی اندیشه پیشرفت (مبنا)

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، دو گزارش «اهداف تحقیق پارادایم اجتهاد» و «فرضیه در قرارداد ملی پیشرفت» در دستور تأمل آمده است.

اهداف تحقیق
پارادایم اجتهاد
تفسیری

تفسیری پیشرفت‌شناخت در گذار از دیگر نظریه‌های تفسیری پیشرفت‌شناخت و مکاتب تفسیری و آزمون دستاوردهای این نظریه در عیار مبانی مزبور؛ ۶. گذاری بر روش‌شناسی اجتهادپژوهی در نظریه و مکتب. دستاورد تحقق این اهداف، در تفسیر متن قرآن کریم و در کاربست دانش برآمده از این تفسیر، قابل پی‌جویی است.

اهداف پژوهش پارادایم اجتهاد تفسیری به یک هدف اصلی و اهداف فرعی چندی تفکیک می‌شود:

الف. هدف اصلی

تنقیح مبانی نظری و پارادایمی نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت در گذار از دیگر نظریه‌ها و مکاتب تفسیری و آزمون دستاوردهای این نظریه در عیار مبانی مزبور.

ب. اهداف فرعی

۱. بسامانی تعریف و تصویر روشنی از منظومه‌واژگان و نمایگان پیوسته‌ای چون نظریه، رویکرد، روش، گرایش، مبانی، مکتب و پارادایم در سامانه مفهومی برگزیده نظریه مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت؛

۲. فراوری مبانی علم‌شناخت رویکرد «پارادایم اجتهادی فقه نظام دین پیشرفت»؛

۳. فراوری مبانی فلسفه دینی نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت در گذار از دیگر نظریه‌ها و مکاتب تفسیری و آزمون دستاوردهای این نظریه در عیار مبانی مزبور؛

۴. فراوری مبانی معرفت‌شناختی نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت در گذار از دیگر نظریه‌ها و مکاتب تفسیری و آزمون دستاوردهای این نظریه در عیار مبانی مزبور؛

۵. فراوری مبانی روش‌شناختی نظریه و مکتب

هدف اصلی پژوهش پارادایم اجتهاد تفسیری عبارت است از: تنقیح مبانی نظری و پارادایمی نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت در گذار از دیگر نظریه‌ها و مکاتب تفسیری و آزمون دستاوردهای این نظریه در عیار مبانی مزبور.

پژوهش مزبور اهداف فرعی چندی نیز دارد، از جمله: فراوری مبانی فلسفه دینی، معرفت‌شناختی نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت در گذار از دیگر نظریه‌ها و مکاتب تفسیری پیشرفت‌شناخت و آزمون دستاوردهای این نظریه در عیار مبانی مزبور؛ گذاری بر روش‌شناسی اجتهادپژوهی در نظریه و مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت.

دستاورد تحقق این اهداف، در تفسیر متن قرآن کریم و در کاربست دانش برآمده از این تفسیر، قابل پی‌جویی است.

بر مدار خواهانی پیشرفت، به ضرورت تنظیم قرارداد ملی پیشرفت می‌انجامد.

عهدی فراگیر در تفسیر و تدبیر پیشرفت دین‌شناخت، در جهان مقتضیات پایدار معاصر ایرانی، در ضمن این قرارداد ملی و جاری در اسناد بالادستی سیاست کلان و اسناد بالادستی برنامه‌های پیشرفت در حال رخ نمود است. در این راستا، پیشنهادهای چندی از سوی برخی نخبگان و نهادهای اندیشه‌ای و الگوپژوه به معرض نظر آمده است؛ مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) یکی از این نمونه نهادهای اندیشه‌ای است. در راستای «فرانظریه پیشرفت دین‌شناخت» برگزیده، اینک پیشنهاد «سند الگوی پایه پیشرفت» با عنوان «میثاق ملی پیشرفت» در دستور کار این مرکز تحقیقاتی آمده است. اثر پیش‌رو در فراوری ذهنیت آغازین به میثاق ملی پیشرفت، آهنگ عبور از سند پیشنهادی مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را دارد. در طرح بلندمدت این نهاد پژوهشی، «سند میثاق ملی» در دو سطح «نظریه - نظام مطلوب» و «نظام سیاستی»، پس از این به دست خواهد رسید.

“

در وهله گذار جامعه ایرانی به تجدد درون‌زای خویش، با نظر به نظام مسائل راهبردی این جامعه و الگوی راهبردی تدبیر این جامعه در معادله ملت - دولت در عبور از بینش مرسوم حاکمیتی به این الگو در افق پذیرش خرد ملی، الگوی پیشرفت متناسب با مقتضیات جامعه هدف (جامعه ایرانی) نیازمند ناگزیر درون‌زایی بر مدار عقلانیت و اندیشه تجددی و توسعه‌ای دین‌شناخت (الگوی حکمی جامع اجتهادی) در فضای مقتضیاتی و تاریخی جهان ایرانی در افق نظریه پیشرفت اسلامی - ایرانی و ترجمان آن در ضمن مدل مفهومی و عملیاتی آینده‌نگار راهبردی پیشرفت، در فرایند مستمر پیش‌رونده و بازخورنده است.

در جست‌وجوی پاسخ به سؤالات یادشده، فرضیه‌های فرعی چندی پیشنهاد می‌شود، از جمله این‌که: مدرنیته درون‌زای جهان اسلامی - ایرانی وام‌دار تجربه دوجانبه نظریه رشد و نظریه توسعه است.

”



میثاق ملی پیشرفت جامعه ایرانی، الگوی تجربی تجدد درون‌زای این جامعه است. فرضیه این تحقیق، یک فرضیه برآیندی جهت‌دار کیفی - کمی است.

۱. فرضیه اصلی:

در وهله گذار جامعه ایرانی به تجدد درون‌زای خویش، با نظر به نظام مسائل راهبردی این جامعه و الگوی راهبردی تدبیر این جامعه در معادله ملت - دولت در عبور از بینش مرسوم حاکمیتی به این الگو در افق پذیرش خرد ملی، الگوی پیشرفت متناسب با مقتضیات جامعه هدف (جامعه ایرانی) نیازمند ناگزیر درون‌زایی بر مدار عقلانیت و اندیشه تجددی و توسعه‌ای دین‌شناخت (الگوی حکمی جامع اجتهادی) در فضای مقتضیاتی و تاریخی جهان ایرانی در افق نظریه پیشرفت اسلامی - ایرانی و ترجمان آن در ضمن مدل مفهومی و عملیاتی آینده‌نگار راهبردی پیشرفت، در فرایند مستمر پیش‌رونده و بازخورنده است.

۲. فرضیه‌های فرعی:

در جست‌وجوی پاسخ به سؤالات یادشده، این فرضیه‌های فرعی نیز پیشنهاد می‌شود:

۱. پردازش نظریه پیشرفت وام‌دار دو ساحت «نظریه رشد» در تصویر افق، همچنان در گذار از ایده «ولایت‌مندی فقیه در احکام» به «ولایت‌مندی فقه دین» ظاهر نشده است؛

۲. مدرنیته درون‌زای جهان اسلامی - ایرانی وام‌دار تجربه دوجانبه نظریه رشد و نظریه توسعه است؛

۳. ظهور میثاق ملی پیشرفت در گروهی فراوری فرانظریه پیشرفت است و اهتمام به پردازش آن در بضاعت و عهده یک نهاد نماینده حاکمیت نمی‌تواند باشد؛

۴. ساختار کلان و جزئی سند الگوی پایه

پیشرفت، اوصافی درون‌زا در سامان‌بخشی

میثاق ملی پیشرفت دارد.

بلوغ مناسبات دولت - ملت

پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی)

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره چند گزارش از جمله «سوره نساء در نسبت لابه شرط نسبت به عصر سنت و عصر مدرن»، «رهسپاری از فلسفه سیاهی به فلسفه سپیدی»، «اکنون فرصت ولایت دین»، «اصول تفسیر سازوکاری»، «هدف‌های پیش‌روی سوره حدید» و «اهمیت و جایگاه تاریخ تفسیر» به معرض نظر می‌آید.

روش‌شناسی ساختاری بسیار پیچیده جاری در سوره، فاصله گذار از امکان گمان‌پریشانی در ساخت سوره تا باور به یک سازوکار بی‌نظیر امکان تجربه تاریخی معاصریت زیست دیندارانه در دنیای جدید را پیش‌رو می‌گذارد.

سطوح مسائل درون سوره، از جمله به قرار زیر هستند:

۱. چستی معادله زیستمان انسانی با میدان مسائل اجتماعی تا مسائل مدنی؛
۲. چستی معادله پذیرش نظام احکام دین با معنی‌داری زندگی در افق معنی‌داری هستی (پس فلسفه‌ای برای احکام دین در متن زندگی معنی‌دار)؛
۳. چستی معادله جنس و جنسیت با انسانیت و زیستمان، با امر اجتماعی و مدنی و به‌ویژه تاریخیت دوره‌های اجتماعی و تمدنی؛
۴. مسئله پیوست ناگزیر روش‌شناسی تفسیری با سازوکار ناگزیر گذار از مسئله‌های پیشین یادشده و لحاظ آن در این روش‌شناسی و در این راستا رهسپاری از این نوع مسئله‌ها به برآیند هر منوتیک معنا و رخداد زیستمانی رشد در وجود خویش.

سوره نساء در نسبت لابه شرط به عصر سنت و عصر مدرن

در نشست‌های تفسیر سوره نساء در دو ماه بهمن و اسفند، ضمن لحاظ ساختار کلان سوره نساء در تفسیر هدی، به مرور آیات ۲۸ تا ۳۷ پرداخته شد. ذیل تفسیر این آیات چنین به‌میان آمد که نظریه رشد (پیشرفت - توسعه) در سوره نساء، خود را از گام زیستمانی به سطح مدنیت آورده و در نمونه کاربردی خاصی مثل «زن - زندگی»، افق‌گشایی می‌کند و نقطه آغاز و شروع این فراوری مدنیتی را نیز در متن تاریخیت عصر بعثت در افق آینده‌نگاری به‌میان می‌آورد. سوره در نسبت لابه شرط به عصر سنت و عصر مدرن و بر مدار حق انتخاب و آزادی زیست در فراوری مستمر امر زیستمانی، مدنیت اجتماعی و جامعه مدنی قرار دارد و تأکید بر میان‌داری اصل اختیار خلاق برای آزادی فردی، اجتماعی و سیاسی در گستره آزادی اندیشه، بیان، اجتماعات و مانند آن را در نظر دارد. با سوره نساء، جامعه مدنی معیار با اوصاف درون‌زای پیشنهادی سوره، در منظر تحلیل قرار می‌گیرد.

در نشست‌های مذکور همچنین به این امر اشاره شد که آموزگاری زیستمان رشد تا گام مدنیت توسعه‌ای و آینده‌نگار تمدنی در نمونه سوره‌هایی چون بقره و انفال در متن تاریخیت عصر آغاز بعثت اسلام تا دوره‌های گوناگون در بنیان یک نظام عظیم پارادایمی از هستی‌شناسی تا انسان‌شناسی تا فلسفه احکام با سوره نساء جلوه‌گری می‌کند که این امر در میدان تفسیری سنت رسول ﷺ و سنت اوصیا (علیهم‌السلام) برای زمینه‌سازی جنس تجدد ممکن هر دوره در متن نظام مسائل آن دوره رخ می‌دهد.

این نظام مسائل می‌تواند تجدد معاصر، به‌ویژه در گام ظهور امر مدنی باشد که مضربی با جنس و جنسیت به‌ویژه زن و زندگی در میدان ظهور امر اجتماعی از جمله از مجرای نهاد خانواده می‌گیرد.

رهسپاری از فلسفه سیاهی به فلسفه سپیدی

در نشست‌های تفسیر سوره انعام در دو ماه بهمن و اسفند، به مرور آیات ۱ تا ۱۵۳ پرداخته شد و از جمله آموخته شد که منظومه فلسفه چستی‌ها و چرایی‌ها تا فلسفه چگونگی‌ها، چند برآیند راهبرنده با دین قرآنی دارد:

۱. در یک منشور اندیشگانی - الهیاتی با آیات ۱ تا ۳؛